

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: شبنم اوغوز
برگردان: مهر داد امامی
فرستنده: علی مشرف
۰۷ مارچ ۲۰۲۵

فاشیسم متأخر و دولت ترکیه: مسائل ستراتیژی

(۲)



فاشیسم متأخر در ترکیه

دولت حزب عدالت و توسعه از لحظه‌ای که در ۲۰۰۲ به رهبری اردوغان به قدرت رسید، نه تنها بر اساس سیاست‌هایش در رابطه با تعمیق شکل دولت اقتدارگرای نولیبرال که از دهه ۱۹۸۰ به این سو نهادینه شده بود، بلکه همچنین به‌واسطه تلاش‌هایش برای طراحی مجدد سازوگرهای دولت هم‌راستا با پروژه اسلام‌گرایی سیاسی خصلتی اقتدارگرایانه داشت. حزب عدالت و توسعه به عنوان بازیگر سیاسی متأخر که وارد سازوگرهای دولت ترکیه شد، نیاز داشت برای پیش‌برد این پروژه متحدی داشته باشد. به همین دلیل، این حزب با فرقه اسلامی موسوم به "جنبش گولن" ائتلاف کرد، جنبشی که پیشاپیش ریشه در سازوگرهای قهری [دولت] داشت، به‌ویژه در پولیس و قوه قضائی. در پی بحران سیاسی ناشی از مقاومت پارک گزی و نابودی ائتلاف بین حزب عدالت و توسعه و طرفداران گولن در ۲۰۱۳، رژیم شروع به گذار از خصلت‌های دولت‌گرایی اقتدارگرای مربوط به نولیبرالیسم به سوی فاشیسم متأخر کرد. در قالب این شکل جدید دولت، تقویت قوه مجریه مرکزی تداوم یافت اما نحوه عملکرد آن در دو جنبه اساسی تغییر

کرد. نخست، در تقابل با شکل دولت اقتدارگرای نولیبرالی که در آن تکنوکرات‌ها سیاست‌های اقتصادی را نسبتاً مستقل از حزب سیاسی حاکم پیش می‌برند، سازوگرهای اقتصادی دولت به منظور استفاده از آن برای انتقال ثروت به بلوک قدرت نوپدید مرکزیت‌یافته حول سرمایه‌گزاران عمیقاً سیاسی شدند. دوم، قوه مجریه نه تنها بر قوه مقننه و قضائیه استیلا یافت بلکه همچنین بر تمام سازوگرهای قهری و ایدئولوژیک هم تفوق پیدا کرد و هر یک از آن‌ها را هم‌راستا با خطوط اسلام‌گرایی سیاسی عمیقاً دگرگون کرد.

مقاومت پارک گزی نشان از لحظه‌ای محوری در روند تغییر رژیم داشت، زیرا رویه‌های دولت فاشیستی که پیش‌تر محدود به مناطق کُردی بود، شروع به گسترش به سمت مناطق غرب کشور کرد. این گسترش، آگاهی در باب جنبش کُردی را در میان طیف‌های گسترده‌تر چپ در ترکیه افزایش داد. در نتیجه، بسیاری از بخش‌های چپ ترکیه از حزب حامی کُردها یعنی حزب "دموکراتیک خلق‌ها" (HDP) در انتخابات ۲۰۱۵ حمایت کردند.[۱۹] حزب "دموکراتیک خلق‌ها" در انتخابات ۷ جون ۲۰۱۵ موفق شد به‌واسطه ستراتیژی دموکراتیک سوسیالیستی، که دموکراسی مستقیم برآمده از مقاومت گزی را با سیاست حزبی بر اساس ائتلاف گسترده کُردها، سوسیالیست‌ها، فمینیست‌ها، اکولوژیست‌ها و سایر نیروهای دموکراتیک ترکیب می‌کرد، ۱۳ درصد آراء را به خود اختصاص دهد و ۸۰ کرسی پارلمانی به دست آورد. به نحوی متناقض، این پیروزی عرصه را برای تعمیق فاشیسم متأخر فراهم آورد، زیرا حزب دموکراتیک خلق‌ها مانع از آن شد تا اردوغان اکثریت مطلق برای تغییر قانون اساسی به سوی نظامی ریاستی را به دست آورد و این امر موجب واکنشی خشونت‌آمیز در بلوک قدرت جدید شد. اردوغان به حزب عدالت و توسعه فشار آورد تا از هرگونه ائتلاف سر باز زند تا انتخابات جدید برگزار شود، به این امید که اکثریت را به دست آورد. برای رسیدن به این هدف، اردوغان روند صلح بین دولت و حزب کارگران کردستان (PKK) را که در ۲۰۱۳ آغاز شده بود، خاتمه داد و حزب دموکراتیک خلق‌ها را حامی "تروریسم" اعلام کرد. اردوغان، سیاست خشونت را نه تنها علیه حزب کارگران کردستان بلکه همچنین در برابر غیرنظامیان کُرد و حزب دموکراتیک خلق‌ها تشدید کرد و هم‌زمان از قتل‌عام‌های سوروج و انقره برای ایجاد فضای ترس و بی‌ثباتی بهره برد.[۲۰] در این بستر، حزب عدالت و توسعه پیروز انتخابات نومبر ۲۰۱۵ شد.

نقطه عطف دیگر در حرکت به سوی فاشیسم متأخر در ۱۵ جولای ۲۰۱۶ به وقوع پیوست. در این روز، جناحی وابسته به طرفداران گولن درون ارتش اقدام به کودتا کرد که در نهایت موفقیت‌آمیز نبود. پس از آن، دولت وضعیت اضطراری اعلام کرد و کشور را با فرمان‌هایی، که در حکم قانون بودند، به مدت دو سال اداره کرد. همراه با این فرمان‌ها و گذار به نظام ریاستی در ۲۰۱۸، عناصر فاشیسم متأخر در ترکیه به مثابه یک کل تعمیق یافتند. قوه مجریه نقش قوه قضائیه را ایفا کرد و صدها هزاران نفر از مردم را در بخش دولتی به بهانه اتهاماتی مثل ارتباطشان با جنبش طرفداران گولن یا با حزب غیرقانونی کارگران کردستان از کار بی‌کار کرد. این امر نه تنها منجر به همسویی لایه‌های پائین‌تر بوروکراسی دولتی با حزب عدالت و توسعه شد بلکه همچنین سازوکار جدیدی برای انتقال منابع به بلوک سرمایه جدید از طریق سازوکارهای اجبار فرااقتصادی از قبیل مصادره شرکت‌های مرتبط با گولن شکل داد.

هنگامی که حزب عدالت و توسعه "ائتلاف جمهور" با حزب ملی‌گرای افراطی حرکت ملی را در ۲۰۱۸ پدید آورد، این روند ابعاد جدیدی پیدا کرد. این ائتلاف صرفاً انتخاباتی نبود. حزب عدالت و توسعه پس از به هم خوردن ائتلاف با طرفداران گولن، نیازمند متحدی جدید درون دستگاه‌های دولت بود. حزب حرکت ملی بهترین گزینه بود، هم به عنوان حزب ملی‌گرای متمایل به اسلام‌گرایی و هم به منزله بازی‌گری عمیقاً ریشه‌دار در سازوگرهای قهری پس از دهه ۱۹۷۰. این اتحاد همچنین به معنای افزایش ائتلاف‌های رسمی و غیررسمی با دارودسته‌های ملی‌گرای افراطی و

رهبران مافیا بود. در طول این روند، سازوبرگ‌های ایدئولوژیک و قهری دولت و نیز ماهیت تنازعات درون‌دولتی دستخوش دگرگونی رادیکالی شدند.

تغییرات درون سازوبرگ‌های ایدئولوژیک و قهری

دگرگونی اساسی در روند فاشیستی‌سازی متأخر دولت ترکیه همانا در سازوبرگ‌های ایدئولوژیک، تفوق "سازمان امور دینی" موسوم به "دیانت" از خلال افزایش چشمگیر در بودجه و تعداد کارمندان آن و نیز گسترش فعالیت‌هایش رخ داد. سازمان دیانت با وزارت خانواده، کار و سیاست‌های اجتماعی برای ترویج ارزش‌های خانوادگی محافظه‌کارانه همکاری کرد. دانشگاه‌ها و نظام آموزشی گسترده‌تر نیز دستخوش دگرگونی ریشه‌ئی شدند. هزاران نفر از استادان دانشگاه در ۲۰۱۶ به بهانه "وابستگی به سازمان‌های تروریستی" از کار خود اخراج شدند. رسانه‌ها در همین حال استقلال نسبی خود را به واسطه بازداشت روزنامه‌نگاران مخالف، تعطیلی رسانه‌های خبری مخالف و مصادره اموال‌شان از دست دادند.

با این حال، مهم‌ترین دگرگونی در تکوین فاشیسم متأخر ترکیه تفوق سازوبرگ‌های قهری در سلسله‌مراتب داخلی دولت بود که تغییر قوه قضائیه مهم‌ترین مورد آن است. سازوکار اصلی برای مهار "دشمن" از طریق سازوبرگ‌های قانونی دستگاه قضائی بود و نه انهدام فزینی. نمونه بارز این امر همانا مداخله دولت حزب عدالت و توسعه در روند انتخاباتی از طریق تصمیمات "هیأت عالی انتخابات" بود و نه از خلال خشونت، بنابراین، رضایت به واسطه قانونیت رسمی تصمیمات اتخاذ شده به وجود آمد. روش اصلی به‌کاررفته برای ترفیع قوه قضائیه همچون ابزار اصلی "دولت استثنائی"، افزودن اتهام "ارتباط با تروریسم" به قوانین مختلفی بود که به واسطه فرمان‌ها [احکام حکومتی] پس از اقدام به کودتای ۱۵ جولای تصویب شدند. این فرمان‌ها سپس شکل دائمی به خود گرفتند و برای اهداف خودسرانه قابل استفاده شدند. برای مثال، طبق اصلحیه‌ای که از طریق حکم حکومتی به قانون شهرداری افزوده شد، در شرایطی که شهردار، معاون او یا عضو شورای شهر به اتهام "تروریسم" یا "کمک و هم‌دستی با سازمان‌های تروریستی" تعلیق یا بازداشت شوند، کل مدیریت شهرداری مذکور باید به سرپرستان یا قیم‌های انتسابی دولت مرکزی واگذار شود. از این رو، قانون شهرداری مبنائی شد برای جای‌گزینی شهرداران منتخب در مناطق گردی با سرپرستان [قیم‌ها]، روندی که "رژیم قیومیت" شناخته می‌شود. به علاوه، قوه قضائیه به عنوان ابزار انتقام‌جویی در مواردی مثل دادگاه‌های پارک گزی و کوبانی به کار گرفته شده است [۲۱] و قضات در این موارد بر مبنای اراده اردوغان، و نه پیروی از قانون، عمل کرده‌اند و پوشش‌های قضائی برای تضمین تداوم بازداشت متهمان به وجود آورده‌اند.

در ارتباط با سایر سازوبرگ‌های قهری، ارتش به طور کامل استقلال خود را در برابر قوه مجریه پس از اقدام به کودتای ۱۵ جولای از دست داد زیرا فرمان‌دهی نیروهای نظامی از ستاد کل ارتش به وزارت دفاع ملی تحت کنترل حزب عدالت و توسعه منتقل شد. به علاوه، جایگاه "سازمان اطلاعات ملی" (میت) در سلسله‌مراتب دولت ارتقا یافت و منجر به سیاسی شدن کامل آن شد، به طوری که فعالیت‌های آن تنوع پیدا کرد و شامل انجام عملیات "در مسائل مرتبط با امنیت خارجی، مقابله با تروریسم و امنیت ملی" شد. پس از اقدام به کودتای ۱۵ جولای، سازمان "میت" مستقیماً تابع ریاست جمهوری شد. افزایش نقش این سازمان در عملیات‌های خارجی به واسطه استفاده آن از پهپادهای مسلح و غیرمسلح مرتبط با این سازمان، به‌ویژه در خاورمیانه، مشهود بوده است. قدرت‌های پولیس ملی و محلی نیز پس از اقدام به کودتای ۱۵ جولای افزایش یافتند و واحد عملیات ویژه آن‌ها به سازوبرگ‌های تماماً سیاسی و اسلامی شد که مستقیماً تحت کنترل رئیس‌جمهور برای حفاظت از دولت حزب عدالت و توسعه فعالیت می‌کند.

در نهایت، رابطه دولت با نیروهای شبه‌نظامی، به‌ویژه پس از پایان روند صلح [۲۲] در ۲۰۱۵، تعمیق یافت. هم تعداد سازمان‌های شبه‌نظامی افزایش یافت و هم شکل این سازمان‌ها تنوع پیدا کرد. شرکت‌های نظامی خصوصی که عملیات‌های غیررسمی دولت را انجام می‌دهند یا دارودسته‌های جهادگرا که از کشورهای بسیاری نیرو جذب می‌کنند نمونه‌های این تنوع‌یابی‌اند. در این روند، شبه‌نظامی‌گری از چیزی که انکار می‌شد به وضعیتی آشکار تبدیل شد، به نحوی که دولت وجود گروه‌های شبه‌نظامی به‌کارگرفته‌شده در عملیات‌های استان‌های کردی در ۲۰۱۵-۲۰۱۶ را تأیید کرد. [۲۳] دولت حزب عدالت و توسعه همچنین با گروه‌های شبه‌نظامی، متشکل از ترکمن‌های سوریه و نیز ملی‌گرایان و اسلام‌گرایان رادیکال خود ترکیه، در جنگ‌هایشان در خاورمیانه متحد شد. پس از آغاز ائتلاف بین اردوغان و حزب حرکت ملی در ۲۰۱۸، ظهور دوباره نیروهای شبه‌نظامی حامی حزب حرکت ملی نیز بخشی از ائتلاف‌های اجباری را شکل داد.

تغییرات رادیکال درون سازوبرگ‌های ایدئولوژیک و قهری بدون تضاد پیش نرفت: تضادهای جدیدی درون دولت در هر چرخش سر برآوردند، تشدید شدند و تنوع یافتند. این تضادها به دو شکل متمایز تجلی یافته‌اند. شکل نخست ناشی از تشنج‌های بین بوروکرات‌های کمالیست و نماینده بلوک قدرت قدیمی و بوروکرات‌های حامی حزب عدالت و توسعه وابسته به بلوک قدرت جدید است. گروه نخست نفوذ چندانی در لایه بالائی بوروکراسی ندارد و اختلاف‌های بین این گروه و بلوک قدرت جدید سیاسی هستند. شکل دوم و تعیین‌کننده‌تر، تضادهای درون‌دولتی داخل بلوک قدرت جدید است که ارتباط بیش‌تری با توزیع ثروت ناشی از اجبار فرااقتصادی دارد. برای فهم بهتر شکل سازمانی این تضادهای جدید، باید تأکید کرد که تضادهای درون‌دولتی خصلت متفاوتی در فاشیسم به خود می‌گیرند.

بولانزاس معتقد است در شکل‌های دولت لیبرال - دموکراتیک یا اقتدارگرا "قدرت عمدتاً از خلال تخصیص‌یابی سازوبرگ‌ها سازمان می‌یابد؛ این یکی از دلایل "تفکیک" قوا در دولت/وضعیت "نماینده‌گی" است. [۲۴] از این رو، تضادهای طبقاتی خود را در شکل تضادهای بین سازوبرگ‌ها نشان می‌دهند. اما اصل تفکیک قوا در شکل دولت فاشیستی ملغی می‌شود، بنابراین، تضادها نه میان سازوبرگ‌ها بلکه درون هر یک از آن‌ها بروز می‌کنند. حزب حاکم "هرگز کاملاً درون دولت ادغام نمی‌شود" و بنابراین، می‌کوشد حاکمیت خود را از طریق نفوذ در هر دستگاهی ایجاد کند. در این روند، بخشی از کارمندان دولت درون هر دستگاه دولتی مستقیماً تابع حزب حاکم می‌شوند که پیامد آن ایجاد شبکه‌های موازی قدرت درون هر دستگاه است. کشمکش‌های درون دولت در شکل "جنگ‌های پشت‌پرده بین باندهای" شکل‌گرفته درون هر دستگاه مادیت می‌یابد. [۲۵]

از زمان به قدرت رسیدن ابتدائی حزب عدالت و توسعه، این حزب از سازوکار سیاسی کردن اداره دولت برای انتقال منابع به سرمایه‌داران اسلامی تشکیل‌دهنده پایگاه خود بهره برده است. به موازات پیشرفت این روند، اختلاف‌هایی پیرامون توزیع این منابع درون سرمایه اسلامی سربرآورد. در پی عملیات مبارزه با فساد ۱۷ دسمبر ۲۰۱۳ که طرفداران گولن علیه حزب عدالت و توسعه به راه انداختند، این خود طرفداران گولن بودند که جایگاهشان در نظام دولتی از بین رفت. با این حال، جنگ داخلی بین بلوک سرمایه اسلامی از خلال سازوبرگ‌های دولتی، که شامل سایر فرقه‌های مذهبی می‌شد، تداوم یافته است. با تشکیل ائتلاف حزب عدالت و توسعه و حزب حرکت ملی در ۲۰۱۸، بازی‌گران جدیدی وارد "جنگ بر سر قلمرو" شدند. اما همراه با تعمیق بحران اقتصادی در این دوره و انتقال سه شهرداری کلانشهر به حزب چپ میانه جمهوری‌خواه خلق (CHP) در انتخابات محلی ۲۰۱۹، منابع مالی درون دولت، که منبع تغذیه این شبکه‌ها بودند، کاهش یافتند. با آغاز انتقال این منابع به گروه محدودتری از سرمایه‌داران و

بوروکرات‌ها به واسطه وفاداری‌شان به اردوغان، جنگ توزیعی درون بلوک قدرت تشدید شد و کشمکش بین محافل شدت گرفت و بیش از پیش آشکار شد.

تضادهای درون‌دولتی جدید، آن‌گونه که عمدتاً پیش‌بینی می‌شد، منجر به انحلال یا حتی شکاف برداشتن رژیم نشد. در عوض، این کشمکش‌ها فضا را برای تعمیق فاشیسم متأخر فراهم کرد. فاشیسم به عنوان شکل دولت مبتنی بر خودسری و عدم قطعیت ناشی از مبارزه بین مراکز قدرت مختلف درون دولت است. عدم قطعیت ایجادشده، عرصه سیاسی و فضای مانور برای رهبران قوه مجریه را در رأس هرم قدرت گسترش می‌دهد. تأثیر وجود مراکز قدرت و کشمکش‌های متعدد درون دولت ترکیه به نحوی متناقض موجب افزایش توانائی اردوغان در به‌جان هم انداختن تاکتیکی محافل گوناگون و بازسازمان‌دهی بنیان هژمونی حزب عدالت و توسعه شده است. دولت حزب عدالت و توسعه همچنین به بهره‌برداری از این فضای مانور و تضادهای داخلی ادامه می‌دهد و فعالانه سازوکارهای ایدئولوژیک و قهری دولت را روز به روز در جهت منافع خود به کار می‌گیرد. تحت این شرایط، واضح است که چپ نمی‌تواند به ستراتیژی‌های خاص شکل‌های دولت لیبرال-دموکراتیک یا اقتدارگرا اتکا کند. در واقع، این موضوعی است که اکنون باید به بررسی آن پرداخت. چپ در ترکیه از ایجاد شکل‌های سازمانی و پیش‌بردن ستراتیژی‌های سیاسی مؤثری، که به شکل دولت فاشیستی متأخر نوظهور به نحوی کارآمد بپردازند، ناتوان بوده است.

ادامه دارد

یادداشت‌ها:

[۱۸]. [این جنبش به رهبری واعظ تحت حمایت امریکا، فتح‌الله گولن همچون شبکه‌ای مذهبی و آموزشی در دهه ۱۹۷۰ پدید آمد. در طول زمان، این جنبش از خلال مدارس، کسب‌وکارها و رسانه‌های خبری حضور جهانی گسترده‌ای یافت و هم‌هنگام در آغاز دهه ۱۹۸۰ خود را درون دولت ترکیه گنجانده است.]

[۱۹]. [حزب دموکراتیک خلق‌ها در ۲۰۱۲ تشکیل شد اما در انتخابات سراسری ۲۰۲۳ تحت لوای حزب چپ سبز شرکت کرد تا خطر بسته شدن احتمالی را کاهش دهد. این حزب بعد از انتخابات خود را در قالب "حزب برابری و دموکراسی خلق‌ها" معرفی کرد.]

[۲۰]. [قتل عام سوروچ در ۲۰ جولای ۲۰۱۵ رقم خورد، جایی که ۳۲ نفر از جوانان سوسیالیست تُرک در حال اعلام همبستگی با مردم کوبانی بودند و در حمله داعش کشته شدند. در پی این، کشتار انقره در روز ۱۰ اکتوبر همان سال به وقوع پیوست، جایی که بیش از ۱۰۰ نفر از مردم در تظاهرات صلح سازمان‌یافته به دست سازمان‌های کارگری در حمله داعش کشته شدند.]

[۲۱]. [دادگاه کوبانی یک روند قضائی است که بسیاری از سیاست‌مداران حامی کردها را به دلیل نقش احتمالی‌شان در اعتراضات پائیز ۲۰۱۴ که در شهرهای مختلف کُردی در ترکیه علیه محاصره کوبانی در روزاوا به دست داعش روی داد، تحت پیگرد قرار داده است.]

Ayhan Işık, 'Pro-state paramilitary violence', pp. 231-49.

[۲۲]. Ayhan Işık, *Paramilitarism in Turkey: From Denial to Overtness*, interview by Bekir

[link](#) October 2021, available at this [۲۰Avci](#), *Express*,

[۲۳]. Poulantzas, *Fascism*, p. 302.

[۲۴]. Poulantzas, *Fascism*, pp. 302-3.

[۲۵]. [بربر او غلو مجدداً به عنوان نماینده پارلمان انتخاب و از زندان آزاد شد اما دمیرتاش و یوکسکداغ همچنان در زندان هستند.

منبع: نقد